

« بحث در جرایم بر ضد شرافت »

از نظر حقوق مادی

« ۳ »

فصل سوم - جعل اکاذیب

حدودیکه قانون ایران برای تحقق جرم افترا قائل گردید و مطالب زننده و دروغینی نسبت بشخصی منتشر گشت آن شخص کمتر میتواندست از خود دفاع نموده و مغرضین را تعقیب نماید - این موضوع در دوائر دولتی نیز رسوخ پیدا نمود و مأمورین گزارشهای خلاف واقع و راپرتهای معمولی علیه اشخاص بمقامات بالاتر میدادند که پس از مدتها اتلاف وقت و ایجاد سوء تقاهم و از میان رفتن نظم اداری کذب بودن آنها ثابت میشد - لذا برای اصلاح ماده ۲۶۹ مکرر ب. باین شرح وضع شد :

« هر کس بقصد اضرار غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی بوسیله مراسلات یا عرایض یا راپرتهای یا نشر و توزیع هرگونه اوراق چاپی با امضاء یا بدون امضاء اکاذیبی را اظهار نماید یا اعمالی را برخلاف حقیقت رأساً یا بعنوان نقل قول بشخص یا اشخاص یا مقامات رسمی تصریحاً یا تلویحاً نسبت دهد اعم از اینکه از طریق مزبور به نحوی از انحاء ضرر مادی و معنوی بغير وارد شود یا نه بحسب تأدیبی از یکماه تا دو سال محکوم خواهد شد و اگر راپرت از شخص رسمی در حدود صلاحیت او مبنی بر یکی از جهات مذکور در بند الف باشد مجازات او دو برابر مجرمین عادی است . »

جرم منظور در این ماده شاید افترا را نیز شامل باشد زیرا اکاذیب نسبت باسناد چنجه و جنایت اعم است ولی شرط آن است که قصد اضرار بغير یا قصد تشویش از آنرا داشته باشد و درباره اینها هنگام بحث در پیرامون عناصر این دو گفتگو خواهد شد.

نکته مهم این ماده آن است که اگر برائر این عمل ضرری بر طرف وارد نشود باز عمل مستلزم مجازات است ؟ لازم است مثالهایی از این جرم بزنیم.

مثلاً ممکن است درباره شخص معنون و محترمی کسی انتشار دهد که همسر او فاسد الاخلاق است و سوابق بدی دارد - گرچه در این اظهار جرمی بآن مرد نسبت داده نشده و حیثیت او لکه دار گردیده و لذا حق شکایت دارد. و مثلاً بدروغ انتشار دهد که

« بحث در جرایم برضد شرافت »

موتورهای فلان کارخانه کهنه و خراب و قابل انفجار است در نتیجه کارگران را از مراجعه بان کارخانه و تقاضای کار از آن باز دارد.

در قوانین مطبوعاتی مقرراتی راجع بان انتشار اکاذیب دیده میشود چنانکه در قانون نیز مواد ۲۲ و ۲۴ این موضوع را پیش بینی کرده و لایحه قانونی مطبوعات آذر ۳۳ در ماده ۲۴ اینطور ذکر کرده است :

« هر يك از افراد مردم اعم از مأمورین رسمی یا غیر آنها که در روزنامه یا مجله یا هر نوع نشریه دیگر مندرجاتی مشتمل بر تمهت و افترا یا فحش و الفاظ رکیکه و یا نسبت های توهین آمیز در زندگی خصوصی یا هتك شرف و ناموس و امثال آن نسبت به خود مشاهده نماید میتواند از نویسنده یا ناشر آن بدادگاه شکایت نماید . مرتکب بدو ماه تا شش ماه حبس تأدیبی و از يك هزار تا پنجاه هزار ریال جریمه نقدی محکوم خواهد شد . »

شاید همان عبارت « نسبت های توهین آمیز و هتك شرف و ناموس » که در این ماده آمده است مؤید این منظور باشد . بهر صورت اگر این ماده هم موضوع را کاملاً پیش بینی نکرده بود چون نشر اکاذیب بطور کامل در ماده ۲۶۹ مکرر ب. قبل آمده و نسخ نشده کماکان میتوان از آن استفاده نمود . مخصوصاً که آن ماده وسیله اسناد را نشر یا توزیع هر گونه اوراق چاپی قرار داده که شامل روزنامه و مجله نیز میشود .

انواع مختلف این جرم در قانون مجازات عمومی - اگر بخواهیم مانند افترا و اهانت این جرم را نیز بکنبی و شفاهی تقسیم کنیم متوجه میشویم که در ماده ۲۶۹ مکرر اشاره ای باسناد شفاهی نشده چون « مراسلات - عرایض - اوراق چاپی » همه وسائل کتبی هستند مگر اینکه از کلمه راپورت استفاده کرده و بگوئیم راپورت اعم است از کتبی و شفاهی اما در عمل تفاوتی برای مجازات این دو در بین نیست - لذا جستجوی بیشتر در این باره بیحاصل خواهد بود .

علاوه بر ماده فوق الذکر و ماده ۲۴ قانون مطبوعات مواد دیگری نیز دیده میشود که تا حدی با جعل اکاذیب شباهت پیدا میکند چنانکه ماده ۲۲۴ قانون مجازات مقرراتی دارد که رقابت مکارانه را در کسب ممنوع نموده و آنرا عبارت از آن دانسته که تاجری برای انصراف مردم از خرید یا استعمال متاعی مشابه متاع خود بوسیله اسباب چینی یا نسبت های کذب یا بطور کلی بهر وسیله متقلبانه دیگر متوسل شود و در صدر ماده مجازات آنرا حبس تأدیبی از سه ماه تا شش ماه و مجازات نقدی از ۱۰۰ تا ۵۰۰ تومان یا یکی از آندو تعیین کرده است .

حال بینیم اگر کسی مطلب و مقاله ای را که خودش انشاء کرده بنام شخص دیگری انتشار دهد چه صورت پیدا کند .

« بحث در جرایم برضد شرافت »

مثلاً شرحی که متضمن حمله به اشخاص است با امضای دیگران منتشر نماید یا مثلاً اگر شخصی عضو حزبی باشد بشدت بادیولتی مخالفت میکند و دیگری یک آگهی بایک مقاله بعنوان وفاداری یا پشتیبانی از آندولت با امضای او منتشر کند البته به حیثیت او نزد جامعه و دوستان و همکاران آن شخص صدمه زده است و شخصی که این مطلب بنام او منتشر شده میتواند طبق ماده ۲۶۹ مکرر تقاضای تعقیب نویسنده را بکند.

زیرا در آن ماده دو جرم دیده میشود یکی اظهار اکاذیب و دیگری نسبت دادن اعمال برخلاف حقیقت و مسلم است که محتویات آن مقاله یکی از آندو خواهد بود. در این ماده نشر یا توزیع هر گونه اوراق چاپی یا خطی را با امضاء یا بدون امضاء جرم دانسته است و آیا نشر مقاله یا امضای دیگری از انواع آنها بشمار میرود یا نه ؟

وقتی نشر را بدون امضاء قابل تعقیب میدانیم منظور از کلمه امضاء همان امضای نشر دهنده واقعی است اکنون در اینجا امضای خودش را ذیل آن نگذارده پس انتشار این مقاله از طرف او بدون امضاء تلقی گشته و قابل تعقیب خواهد بود.

گزارش کذب و برخلاف حقیقت از طرف مأمورین رسمی - ماده ۲۶۹ مکرر ب. راهرت از شخص رسمی را که صلاحیت او مبنی بر یکی از جهات مذکور در بند الف ماده ۲۶۹ مکرر باشد را اهمیت بیشتری داده و مجازاتش را دو برابر مجرمین عادی تعیین کرده است و بان وسیله خواسته مأمورین تحقیق و بازرسی را بنحو احسن در اجرای وظائف که بانها سپرده کنترل کند.

ازلحاظ عنوان قانونی مجازات مأمورین رسمی در این مورد اشکالی پدید میگردد زیرا حداکثر مجازات برای اشخاص عادی دو سال حبس تأدیبی است و اگر آنرا دو برابر کنیم چهار سال خواهد شد بینیم این چهار سال از چه نوع است. تأدیبی است یا مجرد زیرا حبس تأدیبی بیشتر از سه سال نیست و حبس مجرد که از دو تا ده سال است نیز از انواع مجازات جنائی است - در صورتیکه حبس تأدیبی از درجه جنحه است.

این عمل که تقریباً اصطلاح عمومی آن پرونده سازی است متأسفانه اغلب مورد استفاده سیاسی نیز قرار گرفته است و حتی گاه کار بجائی کشیده که سادهترین مأمورین رسمی یعنی پاسبانها و دژبانها مستقلاً دست بان زده‌اند و روزی که ریشه این عمل ننگین از دستگاه اداری ما رخت بر بندد میتوانیم بگوئیم دموکراسی در این کشور بترقیاتی نائل شده است. ماده ۳۴۴ قانون دادرسی و کیفر ارتش مقرراتی برای افسران و همردینان آنها که مرتکب چنین جرمی شوند مجازاتهای تعیین کرده است و این اعمال را ذکر کرده.

۱ - اگر گزارش برخلاف حقیقت بمقام مافوق تقدیم نماید.

۲ - جریاناتی را مستور داشته و باطلاع مقام مافوق نرساند.

۳ - حقایق را پرده پوشی نموده و گزارش آنرا با تغییر اهمیت قضیه بمقام مافوق

تقدیم نماید.

۴ - سعی نماید که حقایق بطور ناقص باطلاع مافوق برسد.

« بحث در جرایم برضد شرافت »

ه - افراد امنیه و سایر نظامیان که بدون مدرک و دلیل از لحاظ اخاذی و سوء استفاده یا اغراض دیگر اشخاص بیگناه را تحت تأثیر قرارداد و برای آنها پرونده سازی نمایند .

کلیه موارد اقدام یا خودداری از اقدام بالا عمدی است یا غیر عمدی .
اگر اقدام یا خودداری از اقدام عمدی بود و منجر باتلاف نفس گردد مقصر بچس دائم با کار محکوم میشود و اگر غیر عمد باشد بچس با کار از دو سال تا پنجسال .
اگر اقدام یا خودداری از اقدام عمدی بوده و منجر بمحکومیت کیفری غیر از اعدام گردد مقصر بهمان کیفری که برای محکوم تعیین شده محکوم میشود .
و اگر بعداً در نتیجه کشف حقیقت کیفر نامبرده اجراء نشود بکیفری که برای مقصر در نظر گرفته شده یک درجه تخفیف داده شود .

و اگر غیر عمد باشد بچس عادی از هشت روز تا دو سال محکوم میشود بدون آنکه بتواند از کیفر خود محکوم بیشتر شود مگر آنکه شخص غیر محکوم بچس دائم شده باشد که در آنصورت مقصر بچس با کار از دو تا پنجسال محکوم میگردد .

اگر اقدام یا خودداری از اقدام عمدی بوده و منجر باتلاف مال شود مقصر بچس با کار از یک تا سه سال محکوم می شود و اگر هیچیک از نتایج فوق را نبخشد مقصر بچس عادی از شش ماه تا دو سال محکوم میگردد .

مقایسه با مقررات کشورهای خارجه برای مقایسه این موضوع با قواعد حقوق خارجه باید گفت چون آنها جرائم ضد شرافت را غالباً بطور اعم تعریف میکنند لذا تحت عنوان بالا کمتر میتوانیم تعریفی پیدا کنیم ولی بعضی امثله و احکام را میتوانیم با این ماده مقایسه نمائیم .

در بریتانیا نظیر این موضوع را بعنوان دروغ موجب ضرر مطرح کرده اند . مثل تکذیب حق مانکیت که طرح این دعوا در آن کشور بسیار رایج است . سابقاً که محور ثروت عمومی و معاش زمین داری بود این نوع حقوق در مورد اسوال غیر منقول مطرح میشد ولی امروز این حق با اسوال منقول نیز سرایت کرده است .

این پیش بینی قانونی بمناسبت اهمیتی است که سرمایه ها و اسوال منقول در اقتصاد امروز جهان پیدا کرده اند .

فصل چهارم

موارد مشابه با جرائم برضد شرافت

انتقاد و جرایم برضد شرافت همانطور که اهانت گاهی اوقات بعنوان تحریک و تشویق بجرایم علیه مصالح عالیه کشور تعبیر میشود دیده شده که انتقاد یعنی یکی از ارکان حکومت دمکراسی را نیز حمل بر اهانت کرده و منقدین را تعقیب مینمایند .

رویه مرفته از تفاوتیکه در کتب حقوق خارجی بین انتقاد و اسناد قائل شده اند و از آنچه که در این باره پس از مطالعه قوانین و احکام خودمان بدست می آید میتوانیم بگوئیم انتقاد اظهار عقیده است نسبت بمسائل مطروحه و یا شخصیت یک فرد در یک مورد

« بحث در جرائم برضد شرافت »

از حقوق و امور اجتماعی - ولی اسناد یا توهین هتک حیثیت طرف است که قصد اضرار را در برداشته باشد.

مطابق سوابقی که در کشور انگلستان است اظهار عقیده راجع به عملیات مسلم الوقوع یکی از رجال کشور انتقاد است ولی اظهار اینکه مشارالیه مرتکب عملیات مخالف اخلاق شده اسناد اکاذیب یا جرم میباشد نه انتقاد - انتقاد از روی حسن نیت در مواردیکه نفع عام در آن ملحوظ نباشد قابل شکایت نیست ولی اسناد قابل شکایت است ولو موضوع آن در صورت صحت نفع عامی در بر داشته باشد.

در مواردیکه ذکر مطالب اسناد آمیز مشمول مصونیت باشد پس از انتشار مطلب میتوان روی آنها بحث کرد و آنها را مورد انتقاد قرار داد و اگر معلوم شود که اصولاً آن مطلب مطابق با واقع نبوده انتقادکننده مشمول نیست و کسی نمیتواند باین عنوان که بعضی از نکات آن در حین مذاکرات یا محاکمات خلاف حقیقت بوده است انتقادکننده را مفتری قلمداد نماید - هنگام بحث در باره یک عبارت اسناد آمیز باید نقل قول و استنباط خود را تشریح نماید نه آنکه خودش مستقیماً مضمون و مفاد آنرا بنویسد.

هتک حرمت و جرائم برضد مصالح عالیة کشور .

جرائم برضد شرافت گاهی به بعضی جرائم که بیشتر آنها جزء بزه های سیاسی است و مجازاتهای سنگینی از قبیل اعدام - حبس ابد یا کار - ده سال حبس و غیره دارد نیز ممکن است تلقی شود و بآن عناوین مطرح گردد از جمله این جرائم تعریض و تحریک مردم بشورش و قیام علیه حکومت ملی و عملیات خلاف مصالح کشور میباشد و همچنین بعضی مواد قوانین ارتش طوری تنظیم شده که ممکن است در معرض این جریان قرار بگیرند.

چنانکه در سالهای اخیر نیز راجع به بعضی مواد آن چنین بحثی بین علماء و مراجع حقوقی دیده شده است.

این جرائم غالباً افترا و توهین و نشر اکاذیب را به همراه خود دارند ولی وقتی یک عمل تنها یکی از جرائم برضد شرافت باشد خود دارای مجازاتی است که قانون مجازات و سایر قوانین آنها را تعیین کرده اند.

شهادت بدروغ

شهادت دروغ در قانون مجازات عمومی خود یک جرم شناخته شده است - این جرم که در همه کشورها سابقه تاریخی داشته و دارد علاوه بر قانون مجازات عمومی در قوانین مدنی و غیره نیز از آنها ذکر شده است در بعضی موارد بخصوص ممکن است عنوان افترا بخود بگیرد و یا کسی بآن شباهت پیدا کند و در قانون مجازات عمومی ماده ۲۱ تا ۲۲۱ بآن اختصاص دارد.

هر شهادت دروغی اسناد نیست بلکه وقتی یک شهادت دروغ متضمن اتهام یا ضرر معنوی و مادی شخص دیگری گردد جزء جرائم برضد شرافت قرار میگیرد - این

« بحث در جرائم برضد شرافت »

شهادت تقسیم میشود بشهادت در امور حقوقی و امور جزائی در امور حقوقی ضرر ماده و مالی بطرف میزند بنابراین جزء جرائم برضد شرافت قرار نمیگیرد.

امور جزائی تقریباً افترا است که جرمی را بکسی اسناد میدهند ولی تفاوت با آن از آن جهت دارد که در شهادت دروغ شهادت دهنده بقصد کمک و استفاده رساندن بدوست خود یا هر فرد دیگر بنفع او شهادت میدهد ولی در افترا فقط قصد اضرار بطرف منظور است. بعلاوه باید دانست که شهادت دروغ منحصر باین نیست که به کسی مطلقاً نسبت بدهند - بلکه ممکن است شهادت بعملی داده باشند که در نتیجه جرمی را متوجه کسی کنند. مثلاً بدروغ اظهار بدارند که کارد خونی در دست کسی دیده یا دستگاه قلب سکه را در خانه او مشاهده کرده است.

البته این بتنهائی اسناد نیست زیرا ممکن است کسی چنین دستگاهی را نگاهداری کند ولی از آن استفاده ای نبرده باشد در صورتیکه کذب این ادعا نیز ثابت شود باز هم دلیل بر اسناد نیست مگر در صورتیکه کسی متهم بضرب سکه گردد و منکر داشتن آن دستگاه شود و شخص دیگری شهادت بدهد که او را در اطایقه دستگاه سکه قلب وجود داشته است مشغول کار دیده و در نتیجه این اظهار آن شخص متهم گردد و چنین شهادت دروغ اسناد خواهد بود.

برای تعیین مجازات این جرم مقایسه کلمات و عبارات قانون با مفاد و مفهوم موضوع احتیاجی به بررسی مواد فصل چهاردهم نیست زیرا طی فصل ششم مشروحاً نسبت بشهادت دروغ حلاجی شده و مقرراتی تعیین گردیده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی